

گزارش کوتاه

صهیونیست ها نگران اقتصاد دریا



کارشناسان رژیم صهیونیستی ضمن برآورد خسارت این رژیم در نتیجه حملات یمنی ها در دریای سرخ تاکید کردند اگر تهدیدهای ایران و حزب... عملی شود، همه بنادر اسرائیل تعطیل می شوند.

«موشک های حزب... هم مانند ایران می تواند تا بندر ایلات پرواز کند، بنابراین در شرایط فعلی ما باید آماده روبه رو شدن با بدترین سناریو از جمله آمادگی برای توقف پروازها و تعطیلی بنادر باشیم.» این را پروفیسور زوی اکشتاین، معاون سابق بانک اسرائیل و بنیان گذار مؤسسه سیاست اقتصادی آرون بیان داشت.

حمله به اقتصاد صهیون

این اقتصاددان صهیونیست در گفت وگو باوبگاه کالکالیست وابسته به روزنامه اسرائیلی یدیعوت آحارونوت نسبت به پیامدهای اقتصادی احتمالی یک جنگ همه جانبه ورود و ورود به جنگ با ایران و حزب... هشدار داد.
کالکالیست افزود موشک های دقیق حزب... با سیستم های پیشرفته ای که شامل سیستم های تصحیح مسیر و کلاهک های با ظرفیت مخرب زیاد است، می توانند هر مکانی را در اسرائیل هدف قرار دهند، یعنی موشک های فاتح ۱۱۰ حزب... می توانند از بندر بیروت به بندر ایلات در جنوب اسرائیل پرواز کنند.
به گفته اکشتاین، وضعیت فعلی، ثبات اقتصادی اسرائیل را تهدید می کند و به واکنش اضطراری نیاز دارد.

افزایش کسری بودجه

اکشتاین پیش بینی کرد اگر اتفاقی برای پایان جنگ غزه حاصل شده و طی ماه های آتی وضعیت طبیعی شود، اقتصاد اسرائیل در سال ۲۰۲۴ شاهد رشد ۷/۵درصدی خواهد بود و کسری بودجه به ۸/۴ درصد و نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی به ۶۷درصدافزایش می یابد؛ بااین حال اگر جنگ چندجبهه ای با ایران و حزب... آغاز شود، اسرائیل ممکن است با حملات موشکی به تل آویو و اختلال در عملیات در بنادر مواجه شود که ممکن است به وخامت اقتصادی بزرگی منجر شود و تولید ناخالص داخلی ممکن است تا ۵درصد یا بیشتر کاهش یابد ونسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی بالاتر از ۸۰درصد خواهد بود.
یک مقام بندری اسرائیل که خواست نامش فاش نشود، به آسوشیتدپرس گفته با حمله حوثی ها به کشتی های عبوری از کانال سوئز اغلب کشتی ها از استفاده از بنادر اسرائیل به عنوان ایستگاه های اصلی در مسیر طولانی تردد خود خودداری کردند.

وی افزود، از همین رو بنادر اسرائیل با کاهش ۱۶درصدی باربری در نیمه اول سال جاری میلادی نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۲۳ همراه بوده است.

جاکوب شینین، کارشناس اقتصادی اسرائیل که سالیان سال نقش مشاورنخست وزیران اسرائیل ووزرای کابینه های این رژیم را برعهده داشته، تاکید کرد هزینه اجمالی جنگ می تواند به ۱۲۰ میلیارد دلار رسیده باشد که ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می شود که در اقتصاد عدد بزرگی به شمار می آید.

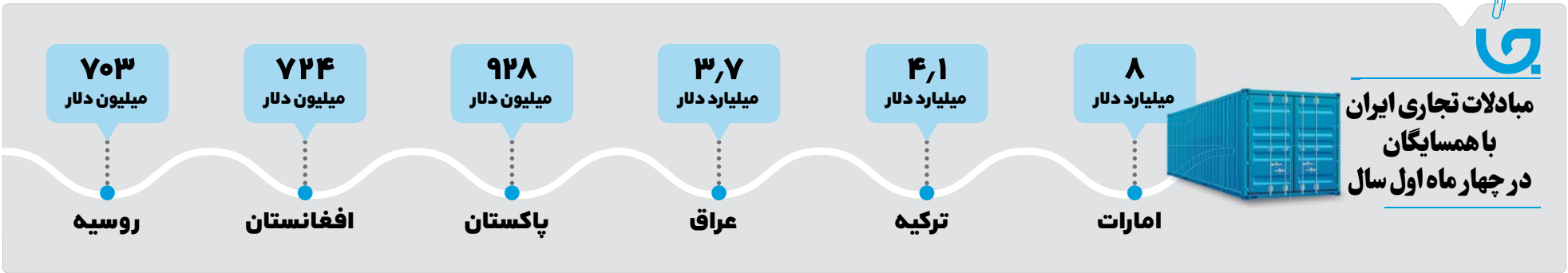
هدف مقاومت اقتصاد اسرائیل است

رژیم صهیونیستی عمدتا در تجارت اقتصادی به دریا متکی است، یکی از دریای سرخ تا تنگه باب المندب برای رسیدن به شرق آسیا و دیگری از طریق دریای مدیترانه که به عنوان راه مواصلاتی به اروپا محسوب می شود؛ از همین رونبدر نقش حیاتی برای ساکنان سرزمین های اشغالی ایفا می کنند، رژیم اشغالگر صهیونیستی از هشت شهر بندری شامل حیفا، اشدود، تل آویو، ایلات، الخضیر (هادره)، عسقلان، یافا و فدان (بندر عکا) برخوردار است. در حال حاضر، بندر حیفا به دلیل اهمیت آن و این که بزرگ ترین بندر در فلسطین اشغالی است، در تجارت این رژیم حرف اول را می زند. دومین بندر پس از حیفا که برای تجارت در اسرائیل تعیین شده، بندراشدود است.

وضعیت این بندر در سایه جنگ متلاطم است و نباید فراموش کرد که حدود ۳۰ کیلومتر با غزه فاصله دارد و در بخش جنوبی تل آویوواقع شده است.

در طول چند ماه گذشته اقتصاد اسرائیل با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم کرده ونخست وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرده ادامه این روند مشکلاتی را برای این رژیم به دنبال خواهد داشت.

کارشناسان معتقدند تحریم کالاهای اسرائیلی در طول چند ماه گذشته مشکلات زیادی را برای این رژیم به دنبال داشته و یکی از دلایل کسری بودجه، کاهش درآمد از بخش گردشگری است. این موضوعات باعث شده تا مهاجرت از سرزمین های اشغالی افزایش یابد.



وزیر اسبق بازرگانی در گفت وگو با «جام جم»:

سیاست های گذشته عامل ناترازی های امروز اقتصاد

حسین شریاتی
گروه اقتصاد

کابینه دولت چهاردهم تکمیل و وزرا در وزارتخانه های خود مستقر شدند؛ دولت مسعود پزشکیان چهار سال فرصت دارد تا در جهت رفع مشکلات مردم اقدام کند و در پایان این دولت کارنامه اش را قضاوت کنیم؛ اما اقتصاد ایران با مشکلات زیادی مواجه است و برخی از این مسائل به مرحله حاد رسیده اند. دولت چهاردهم اگر می خواهد این مشکلات حل شود، باید مسائل را از ریشه حل کند و نباید با اقدامات سطحی آنها را عقب بیندازد. کارشناسان مشکل تورم را اولویت دولت چهاردهم عنوان می کنند که ریشه آن در ساختارهای اقتصاد ایران نهفته شده و دیگر نمی توان آن را به صورت دستوری و مانند اقدامات فُسکنی گذشته حل کرد. این که چرا امروز به اینجا رسیدهایم و دولت مسعود پزشکیان باید چه اقداماتی انجام دهد را در گفت وگو با یحیی آل اسحاق، وزیر اسبق بازرگانی بررسی کردیم که مشروح آن را در ادامه می خوانید.

اقتصاد ایران با چالش ها و مشکلات متعددی روبه روست که برخی از آنها دو دهه است مهمان کشور هستند. اکنون دولت چهاردهم پس از اخذ رأی اعتماد از مجلس، تشکیل شده و فرصت چهارساله دارند تا به وعده های خود عمل کرده و مشکلات را حل کنند، به نظر شما اولویت اول دولت چیست؟

نخست از مجلس تشکر می کنیم که در شرایط بسیار مناسبی، انتخاب خوبی انجام دادند و امیدواریم دولت چهاردهم هم بتواند منشأ اثرات و کارهای بزرگی در کشور باشد.

رهبر معظم انقلاب هم فرمودند در حکمرانی اولویت نخست، مسائل اقتصادی است. اقتصاد ما به گونه ای است که حوزه های دیگر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و سیاست خارجی را تحت تاثیر قرار داده؛ بنابراین اولویت نخست دولت باید رسیدگی کامل به مسائل اقتصادی و حل و فصل آنها باشد. یکسری از مسائل اقتصادی تحت تاثیر مسائل خارجی قرار دارد و یکسری مسائل مربوط به امور داخلی، تدابیر، مدیریت و ساختار است. نمی توان به صورت مصداقی به یک موضوع اشاره کرد و آنچه امروز مشاهده می شود، نتیجه مسائل اقتصادی است. مثلاً امروز در کشور تورم بسیار بالایی داریم که همه حوزه های کشور از جمله تولید، زندگی و معیشت مردم و غیره را تحت تاثیر قرار داده است. بقیه مسائل مانیز همین گونه است و معلول هایی هستند که یکسری علتهای ریشه ای دارند. دولت چهاردهم باید اقدامات خود را در دو حوزه شروع کند؛ نخست حل مسائل عاجل است، یعنی مسائلی مانند سفره و معیشت مردم، موضوع تورم و بیکاری، مسکن و موضوعاتی از این قبیل. موضوع دوم هم مسائل اساسی اقتصاد کشور است که نمود آن را در تورم مشاهده می کنیم. تورم مانند تب در بدن است، وقتی مغز و قلب درست کار نکند، بدن تب می کند و این تب تحت تاثیر عوامل متعددی می تواند ایجاد شود. تورم هم در اقتصاد ایران این گونه است، یعنی از یک نقطه نمی توان صحبت کرد.

حل ریشه های مشکل تورم در کوتاه مدت سخت است، در کوتاه مدت دولت چه اقدامی باید انجام دهد؟

دولت چهاردهم در کوتاه مدت برای کاهش هزینه ۶۰ میلیون نفر از جمعیت ۹۰ میلیونی کشور باید اقدام کند. عمده هزینه های طبقات متوسط به پایین جامعه که حدود ۶۰ میلیون نفر را شامل می شود، در پنج حوزه است و فوریت دارند. این حوزه ها جزو اولویت های اولیه دولت در کوتاه مدت است که دولت باید آنها را سامان دهد. این پنج حوزه شامل خوراک، مسکن، بهداشت، آموزش و پوشاک مردم می شود که حدود ۴۰ درصد هزینه های قشر متوسط به پایین جامعه را دربر می گیرد. متأسفانه این پنج حوزه بیشترین تورم را در کشور دارد. اگر میانگین تورم کشور حدود ۴۰ درصد باشد، تورم این پنج حوزه حدود ۶۰ تا ۶۵ است؛ بنابراین دولت چهاردهم در اولین فرصت باید برای مواردی که ۷۰ درصد تورم را شامل می شود، اقدام عاجل انجام دهد.

موضوع بعدی بحث های تدابیر و مدیریت دولت است. کنترل تورم بر اساس موازین علمی و شناخته شده در حوزه اقتصادی است و خیلی ناشناخته نیست. ما جزو معدود کشورها در دنیا هستیم که تورم دورقمی داریم. همه دنیا از نظر علمی این موضوع را مدیریت و کنترل کرده اند و تورم تک رقمی دارند. راهکار حل مشکل تورم برای ما هم بنهائ نیست. اما قدرت اعمال و هماهنگی در مسأله شرط است؛ یعنی وزرای اقتصادی دولت باید برای کنترل تورم، وحدت نظر، وحدت عمل و وحدت اولویت داشته باشند.

چه مسائلی در کشور ما عامل تورم شده است؟

مسائل آن شناخته شده است؛ یکی از آنها کسری بودجه است. دولت وقتی کسری بودجه دارد، ناچار است هزینه های جاری خود را از محل های دیگری تأمین کند. ۷۰ تا ۸۰ درصد هزینه های بودجه، هزینه های جاری دولت است و باید هفتگی و ماهانه به نوعی کسری بودجه را جبران کند. اگر نتواند این موارد را حل کند مشکلات سیاسی و اجتماعی برای دولت شکل خواهد گرفت.

دولت برای جبران کسری بودجه چند راه دارد که چاپ اسکناس، استقرار از بانک مرکزی یا استقرار از بانک هاست، یا این که به نحوی هزینه های خود را از بخش های دیگر تأمین کند. دولت تا زمانی که برای کسری بودجه فکر اساسی نکند، تورم کنترل نخواهد شد و شاهد افزایش پایه پولی و حجم نقدینگی خواهیم بود؛ بنابراین یکی از اولویت های دولت در میان مدت برخورد علمی و حرفه ای با مسأله کسری بودجه و تورم است.

نقش ناترازی بانک ها در آن چقدر است؟

راهکارهایی برای این موضوع وجود دارد؛ اکنون بانک مرکزی به منظور رفع ناترازی بانک ها اقداماتی را آغاز کرده، اما با این اقدامات فقط می توان دامنه و آهنگ رشد تورم را کنترل کرد و موضوع تورم حل نمی شود. برای حل مشکل تورم در اقتصاد ایران، نیازمند اصلاح ساختارها هستیم. البته دولت باید همین روشی را که در سه سال گذشته برای کنترل تورم اجرا شده، تقویت و هماهنگ کند.

نقش نرخ ارز در میزان تورم چیست؟

مسأله دیگری که در تورم اثر دارد، نرخ ارز است. اگر بانک مرکزی و دولت نتوانند نوسانات نرخ ارز را کنترل کنند، در همه بخش های اقتصادی از جمله قیمت کالا و مواد اولیه، خدمات و هزینه های جاری مردم تاثیرگذار خواهد بود. تثبیت نرخ ارز امکان پذیر نیست، ولی می توان آن را در دامنه ای نگه داشت که البته بانک مرکزی اکنون تا حدودی توانسته این کار را انجام دهد.

موضوع بعدی مسأله انتظارات و جو روانی در رابطه با تورم است. عده ای سودشان در این است که بازارها را ملتهب و سود کسب کنند. با جو روانی، شایعات، مسائل بین الملل و غیره سعی می کنند به انتظارات دامن بزنند و در شرایط ملتهب دی نفع هستند. رسانه ها در کنترل انتظارات و جو روانی بسیار اثرگذارند، البته ادبیات اعلامی دولت و نوع ثبات در روابط، مقررات، گفتار و رفتار مسئولان در ایجاد جو روانی در جامعه و افزایش انتظارات حتما نقش دارد و باید مراقب مسائل و جو عمومی باشند. عامل موثر دیگر مربوط به تأمین کالاهای اساسی و ضروری جامعه است؛ یعنی دولت باید توجه ویژه ای در تأمین، ذخیره سازی، قیمت گذاری و نظارت وتوزیع کالاهای اساسی داشته باشد.

اقتصاد ایران در یک دهه اخیر با ناترازی های زیادی مواجه بوده و این ناترازی ها به مرحله بحران رسیده، راهکار این مسأله چیست؟

ناترازی ها در حوزه های مختلف اقتصادی یکی از مشکلات ماست. ریشه های ناترازی هم مشخص است. این ناترازی ها به صورت خودکار روی همدیگر اثر می گذارند. مثلاً وقتی کسری بودجه شکل می گیرد، نشان می دهد درآمد و هزینه های دولت هماهنگ نشده است. حالا چاپ پول یا استقرار برای تأمین آن، تورم ایجاد می کند. این مشکل

باید به صورت ریشه ای حل شود و در حوزه های مختلف تصمیم گیری، راهکارهایی در اقتصاد داریم. مجموعه روابط حاکم بر اقتصادمان و در حوزه های مختلف تصمیم گیری، تصمیم سازی و ساختارهایی که در اقتصاد داریم، به گونه ای است که به صورت خودکار ناترازی ایجاد می کند. این دولت و آن دولت هم ندارد و مسائل باید به صورت بلندمدت دیده شود.

راه علاج آن چیست؟

علاج آن در نگاهها، راهبردها و دیدگاه ها نسبت به مسائل اقتصادی است. یکی از علل عمده شکل گیری ناترازی ها در اقتصاد ایران به دلیل دیدگاه های، راهبردهای و سیاست های اقتصادی بود که در گذشته داشتیم.

متأسفانه بعد از چهار دهه همچنان درخصوص برخی جهت گیری ها در اقتصاد دچار اختلاف نظرهای متعددی هستیم. مثلاً یک جریان در مسائل اقتصادی معتقد است که اقتصاد باید به دست دولت و مدیران دولتی اداره شود و جریان دیگری مخالف این نگاه است یا این که برخی در مورد مسائل روابط بین المللی معتقد هستند؛ باید نهادهای بین المللی مانند FATF و... متناسب با اقتضانات حضور داشته باشیم، اما برخی می گویند که این موضوع سم مهلکی است و نباید وارد آن شویم.

امروز هنوز درخصوص حضور بخش خصوصی در اقتصاد اختلاف نظر وجود دارد؛ بایین حال مقام معظم رهبری هدایت های صریح و مستقیمی داشته اند و کلیات را در شعارهای سال مطرح کرده اند، ولی در اجرا به این راهبردها عمل نمی شود. مقام معظم رهبری براساس اصل ۴۴ قانون اساسی در این ۴۰ سال عنوان کردند که واحدهای تولیدی را به مردم واگذار کنید، اما آنچه تاکنون به بخش مردمی و خصوصی واگذار شده فقط ۱۵ تا ۲۰ درصد بوده و رهبری به این موضوع انتقاد کردند و فرمودند کجای این موضوع خصوصی سازی است.

مثلاً تولیدات کشور باید صادرات محور باشد؛ این را بارها رهبری تاکید کردند که باید بتوانیم از نظر قیمت و کیفیت در دنیا رقابت کنیم، اما تولید صادرات محور الزاماتی دارد و تمام موارد زنجیره از تولید تا بازاریابی و... باید در این جهت باشد؛ اما سیاست ها در این جهت



اقتصاد اولویت پیدا کرده و متر هر کاری را با متر سیاسی انجام می دهیم. تا زمانی که خودرو را بخواهیم با متر سیاسی اداره کنیم، شرایط تغییر نخواهد کرد و یک مدیر سیاسی برای خودروسازی می گذارند؛ تا زمانی که این ماجرا هو وجود دارد، یعنی هر حوزه را با ادبیات خودش اداره کنیم و اقتصاد حوزه تولید، صادرات، قیمت تمام شده و سود و زیان است و باید اقتصاد را با اقتصاد و سیاست را با سیاست اداره کرد و باید این دو از هم جدا شود. این گونه نباشد که سیاستون آب و غذای مردم را سیاسی کنند و اگر سیاسی کردند فکر کنند که افتخار بزرگی است.